

شیخ بهایی مخترع نان سنگک

۱ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۲۲

در تاریخ آمده که مخترع نان سنگک و شکل تنور آن شیخ بهایی از علما و دانشمندان قرن دهم هجری بوده است

به گزارش سایت جوان و تاریخ، در سرزمین کهن ایران، بر اثر تجربه‌ها و اعمال سلیقه‌ها در طول سالیان دراز تاریخ، غذاها و پختنی‌های گوناگون رسم شده و بوجود آمده که در نزد بسیاری از کشورهای دیگر و حتی مردم سرزمین ما، این غذاها به عنوان غذاهای ملی و سنتی معروف شده‌اند.

نان سنگک از نظر مزه، طعم، هضم و بهداشت و سلامت یکی از بهترین نان های ایرانی است که مورد توجه خانواده مخصوصا در ماه مبارک رمضان قرار دارد. ویژگی این نان پخت آن روی سنگ ریزه های داغ است که به کیفیت آن می افزاید.

در تقویم سالنمای کمیته نانوایان تهران (در ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۲۶ شمسی در تهران چاپ شده) درباره تاریخچه و چگونگی پیدایش نانوائی و نان سنگک این گونه آمده است:

"شاه عباس برای رفاه حال طبقات تهی‌دست و لشگریان خود که غالباً در سفر احتیاج به نان و خورش موقت و فوری داشتند و لازم بود به هر شهری می‌رسند نانواهایی باشند که بتوانند به قدر مصرف سربازان نان تهیه نمایند و غذایی باشد که خورش نان قرار دهند، درصدد چاره برآمد و حل این مشکل را از "شیخ بهایی" که از اجلّه علما و دانشمندان ایران بود خواست. شیخ بهایی نیز با تفکر و تعمق تنور سنگکی را ابداع نمود."

این اختراع به قدری با دقت و هوشیاری طراحی و عملی شده که پس از گذشت چند صد سال هنوز به همان صورت اولیه پخته می شود و نانی که از تنور سنگکی بدست می‌آید، محبوب ترین نان ایرانی است.

برخی نقل ها نیز قدمت نان سنگک را قبل از ورود اسلام به ایران و در زمان پادشاهان ساسانی می دانند.

«شیخ بهایی» عالم و دانشمند مشهور قرن ۱۰ و ۱۱ هجری است که در دانش‌های فلسفه، منطق، هیأت و ریاضیات تجربه‌ی زیادی داشت. به پاس خدمات این دانشمند بزرگ به علم ستاره‌شناسی، یونسکو سال ۲۰۰۹ را به نام او سال «نجوم و شیخ بهایی»

نامگذاری کرد. از او چیزی حدود ۹۵ کتاب و رساله باقی مانده است.

شخصیت علمی، ادبی و اخلاق و پارسایی او باعث شد تا از ۴۳ سالگی تا پایان عمرش (۷۵ سالگی) منصب شیخ الاسلامی پایتخت صفوی را در دربار مقتدرترین شاه صفوی، شاه عباس اول، بر عهده داشته باشد.

شیخ بهایی در سال ۱۰۰۰ خورشیدی در اصفهان درگذشت و به خاطر وصیت خودش جنازه‌ی او را به مشهد بردند و در جوار مقبره‌ی علی‌ابن موسی‌الرضا(ع) جنب موزه‌ی آستان قدس دفن کردند.

او شعر هم می‌گفت. از مثنویات معروف او می‌توان، «نان و پنیر»، «نان و حلوا»، «شیر و شکر» را نام برد.

نمونه شعری از شیخ بهایی:

همه روز روزه بودن، همه شب نماز کردن

همه ساله حج نمودن، سفر حجاز کردن

ز مدینه تا به مکه، به برهنه پای رفتن

دو لب از برای لبیک، به وظیفه باز کردن

شب جمعه‌ها نخفتن، به خدای راز گفتن

ز وجود بی‌نیازش، طلب نیاز کردن

به خدا قسم که آن را، ثمر آن قدر نباشد

که به روی ناامیدی، در بسته باز کردن

اختراعات و ابتکارات شیخ بهایی:

۱- تقسیم آب زاینده‌رود

نخستین کار جالب او تقسیم صحیح و طریقه‌ی مهندسی آب زاینده‌رود به محله‌ها و باغات شهر اصفهان بود. او با محاسبه‌ی دقیق و به دست آوردن آمار بارندگی مناطق مختلف اصفهان، حومه و کوهستان‌های اطراف و همچنین سرچشمه‌ی زاینده‌رود، طرح دقیق نهرها و شیب و عرض جویبارها و سهم استفاده‌ی آب هر باغ و محله و منزل، به اختلاف چندین ساله‌ی مردم این منطقه پایان داد.

این منطقه تا قبل از تقسیم آب همیشه در حال نزاع و جنگ و خونریزی قبیله‌ای برای تقسیم آب بود و با این کار شیخ بهایی، این گرفتاری برای همیشه حل شد. شیخ بهایی طرز تقسیم‌بندی جریان آب زاینده‌رود را با توجه به محاسبات خیلی دقیق به ۳۳ سهم تقسیم نمود که هر سهم معادل ۵ شبانه‌روز قسمتی از آب رودخانه است که باید آب موجود در رودخانه به هر محله سرازیر شود که امروزه با نصب دستگاه‌های مختلف آب‌سنج‌ها، در نقاط زاینده‌رود به همان نتیجه رسیده‌اند که او در ۴۲۰ سال قبل رسیده بود.

۲- ساخت مسجد چهارباغ روی لجنزار

کار مهم دیگر شیخ بهایی بنای مسجد مشهور چهارباغ است که چون در مسیر یکی از کانال‌های آب زاینده‌رود قرار داشت و امکان نداشت که روی آن همه لجن و آب، ساختمان عظیم و سنگی ساخته شود و ساختمان، با خطر ریزش مواجه می‌شد، شیخ بهایی دست به ابتکار جالبی زد. شیخ برای انجام این کار پیشنهاد کرد که ابتدا، مقدار زیادی زغال چوب به ضخامت ۲ متر در سرتاسر پی ساختمان پخش کنند و پس از کوبیدن زغال در کف پی‌ها روی آن را با ساروج و شفته پر کرده و پی‌های ساختمان را روی ساروج و شفته، قرار دهند.

از آن‌جا که هر چه ملات، بیش‌تر پا بخورد، چسبندگی گل بهتر شده و خوب عمل می‌آید از این لحاظ به دستور شیخ بهایی ابتکاری برای هر چه بیش‌تر پا زدن گل‌ها به کار برده شد که ملات بنای مسجد هر روز زیر پای مردم و کودکان اهل اصفهان بلاوقفه پا بخورد و با هم مخلوط شود.

ابتکار شیخ بهایی این بود که دستور داد هر روز صبح چند سکه طلا را در خاک ملات‌ها بریزند و سپس گل درست کنند و به مردم اطلاع دهند که بیایند و سکه‌ها را برای خود ببابند. مردم، گروه گروه گل ملات‌ها را از صبح لگدمال کرده و تا غروب، تعدادی سکه برای خود پیدا می‌کردند و با این روش گل ملات‌ها کاملاً عمل می‌آمد؛ یعنی همین کاری که امروزه هم برای گل خاک رس کاشی‌سازی با ماشین‌های مکانیکی مخلوط‌کن انجام می‌گیرد (البته امروزه، این بنا به مدرسه‌ی چهارباغ، مشهور است).

روش ساخت گل مخصوص شیخ بهایی برای بنای ساختمان‌های عظیم روی مرداب‌ها و لجنزارها، بعدها مورد توجه اروپاییان قرار گرفت و آن‌ها هم برای ساختن ساختمان‌های خود از این روش جالب استفاده کردند و ساختمان‌های عظیم خود را با این روش ساختند و هنوز هم در بعضی از نقاط به همین روش عمل می‌کنند.

۳- گرمابه‌ی شیخ بهایی

ماجرای این حمام و گرم نگه داشتن آب آن، با یک شمع، به رازی حل‌نشدنی در تاریخ تبدیل شده بود که با کنکاش‌های پی در پی بالأخره راز این حمام ۳۰۰ ساله کشف شد.

شیخ بهایی با استفاده از طلا که رسانایی بالا و در انتقال گرما نقش مؤثری دارد، منبع این حمام را ساخت و به دلیل استفاده از طلا و جلوگیری از سرقت آن، راز ساخت آن را پنهان نگه داشت. یکی دیگر از کارهای شیخ بهایی ساختن گرمابه‌ای است که به احتمال نزدیک به یقین از روی ایده‌ی شمع خودکار احمد بن موسی بن شاکر خراسانی ساخته شده است.

تأمین مایع سوخت، در زمان شیخ بهایی با یک لوله‌ی زیرزمینی به عصار خانه‌ی جنب حمام وصل شده بود و با تولید روغن‌های کرچک، کنجد و روغن‌های سوختی دیگر که در محل مذکور روغن‌کشی می‌شده، تأمین می‌گردید.

روی شمع مذکور ظرف لگن مسی بوده که حجم آبی را برابر با ۳ و یا ۴ سطل گنجایش داشته و مرتباً در شبانه‌روز گرم بوده و آب آن برای کسانی که از شستشو فراغت یافته و سربینه‌ی حمام قسمت خروجی نزدیک در کار گذاشته و جاسازی کرده بودند. دستگاه مذکور را حدوداً اواخر حکومت زندیه از زیر زمین بیرون آوردند و به خارج از ایران منتقل کردند. تقریباً کار این دستگاه شبیه آبگرمکن‌های گازی دیواری است که آب را سریع گرم می‌کند.

ابداع شهر نجف‌آباد

در دوره‌ی صفوی شهر نجف‌آباد با طرح شیخ بهایی و به پیشنهاد او به عنوان یک شهر جدید احداث شده است. در مورد انگیزه‌ی ایجاد شهر نجف‌آباد نظرات مختلفی وجود دارد و مشهورترین این نظرات این است که، نذورات و عایدات موقوفات منطقه‌ی اصفهان، با کاروانی از اصفهان به سوی نجف اشرف می‌رفت که پس از پیمودن ۲۵ کیلومتر از حرکت باز ایستاد و دیگر پیش نرفت. شیخ بهایی چاره را در این دید که با اذن شاه‌عباس، محمولات شتران را هزینه‌ی بنای شهری کنند به نام نجف‌آباد.

راجر سیوری در کتاب خود می‌نویسد: «شاه‌عباس و طراح اصلی او شیخ بهایی با ایجاد شبکه‌های کامل آبیاری و ارتباطی و بنیان نهادن شهر بازرگانی و پررونق نجف‌آباد در ۲۵ کیلومتری غرب اصفهان برای تهیه‌ی آذوقه‌ی شهر (اصفهان) زیربنای زراعی استواری برای پایتخت جدید فراهم آورد.

سابقه‌ی تهیه‌ی مایحتاج خوراکی اصفهانی‌ها مانند: گوشت، میوه و لبنیات از نجف‌آباد که اکنون نیز کم و بیش دیده می‌شود، این نظر را تأیید می‌کند. نجف‌آباد نقشه‌ی معماری و شهرسازی پیشرفته‌ای دارد که گفته می‌شود نقشه‌ی اصلی آن از سوی شیخ بهایی ترسیم شده است و در موزه‌ی شهر لیسبون پایتخت پرتغال نگهداری می‌شود.

شیخ بهایی در رشته‌ی ریاضیات و هندسه هم اختراعات جالبی دارد. تاریخ نگاران نان سنگک و حلواشکری را نیز از اختراعات وی می‌دانند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۶۸۳۸/سنگک-نان-مخترع-بهایي-شېخ/۲۶۸۳۸>